

تحلیلی بر دو دستاورد مهم مقاومت در برابر جنایات صهیونی^۱

حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی*

اشاره

خدای متعال را شاکر هستیم که نعمت درک حضور امام^{علیه السلام} به ما ارزانی داشت؛ چراکه این همه حماسه، شور و ایثار از برکت‌های وجود حضرت امام^{علیه السلام} است. همه شهیدان گرامی مقاومت، افتخار شاگردی مکتب ایشان و افتخار پذیرش ولایت و هدایت مقام معظم رهبری را دارند.

راز محبوب بودن سید مقاومت سیدحسین نصرالله

چه چیزی سبب شد شهید سیدحسین نصرالله به این درجه از علو مقام و اعتبار و شخصیت برسد؟

لبنان در جنگ سی‌وسه روزه، شاهد هجمه عجیب صهیونیست‌ها بود؛ در زمانی که آمریکا به شدت حمایت می‌کرد و وزیر امور خارجه وقت آمریکا در بیروت این تعبیر را به کار برد: «خاورمیانه در معرض یک زایمان است و این همه آسیب و ویرانی برای آن است که می‌خواهد خاورمیانه جدیدی متولد شود». اما مقاومت جانانه حزب‌الله و ایثارگری حزب‌الله و پیروزی بر اسرائیل و مجبور کردن اسرائیل به عقب‌نشینی، محبوبیت عجیبی برای سیدحسین نصرالله در جهان اسلام و حتی در جهان غرب بین جوانان مسلمان ایجاد کرد. در آن دوران و بعضی از سفرهایی که به اروپا داشتیم، به چشم خود دیدم بسیاری از جوان‌های مسلمان غربی عکس

۱. متن پیاده‌شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد واعظی در همایش «حزب‌الله زنده است». این همایش به مناسبت شهادت مجاهد کبیر پرچمدار مقاومت سیدحسین نصرالله و دیگر شهدای مقاومت، در پاییز ۱۴۰۳ در مرکز همایش‌های غدیر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد.
* استاد دانشگاه باقرالعلوم^{علیه السلام} و رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ایشان را در صفحه موبایل خود قرار داده بودند.

همان زمان اجلاسی در تهران برگزار شد و سیدحسن نصرالله با آن محبوبیت بسیار، در حضور همه میهمانان و دوربین‌های خارجی، دست مقام معظم رهبری را بوسید و فرمود: «من خواستم به جهانیان بگویم که این همه افتخار مرهون تبعیت ما از ایشان است؛ این عظمتی که آفریده شده است، مرهون هدایت رهبری و مرهون راه مستقیم و نورانی است که امام بزرگوار ما آموخته است».

دو دستاورد مهم مقاومت

در یک سال اخیر رنج‌های بسیاری دیده شد؛ حجم آسیب‌ها بسیار عظیم بود، غزه ویران شد، ده‌ها هزار نفر مظلومانه شهید شدند و فجایع عجیبی رخ داد؛ اما این حرکت، مقاومت و ایثارها دو دستاورد بسیار مهم داشت. در سخنانم این دو دستاورد را بیان می‌کنم و نشان می‌دهم که این همه آسیب و رنج، ارزش این دو دستاورد عظیم را داشت.

۱. تسریع در فرایند زوال رژیم غاصب صهیونی

اولین دستاورد این حرکت عظیم ایثارگرانه در یک سال اخیر، تسریع در فرایند زوال و نابودی رژیم غاصب است. این دولت جنایتکار اسرائیل بر دو پایه و ستون استوار است و از اول پیدایش تا کنون بر این دو ستون تکیه داشته است:

الف) ستون اول: مظلوم‌نمایی

جنبش صهیونیسم با طرح دروغ‌های بزرگی، گرگ را بره جلوه داد و صهیونیسم و مسئله اسرائیل را یک حق قانونی برای ملتی دانست که مظلوم واقع شده‌اند و به ظلمی سیستماتیک مبتلا گشته‌اند. این رژیم با مسئله دروغ هولوکاست، جهانیان را قانع کرد که سرزمین آنها همان سرزمین موعود یهودیان است؛ درحالی‌که این مسئله بر اساس یک دروغ بزرگ بنا شده بود. بگذریم که هولوکاست بر سر جای خود، بسیاری از محققان در اغراق آمیز بودن کشتار یهودیان قلم زدند و تحقیق کردند.

یک نمونه دروغ دیگر صهیونیست‌ها را بازگو می‌کنم. بسیار شنیده‌ایم که یکی از دعاوی بزرگ‌شان این است که معبد سلیمان زیر مسجدالاقصی واقع شده است و آنها با این ادعا یهودیان را به سمت اسرائیل جذب می‌کنند؛ اما این ادعا از سوی بسیاری از محققان باستان‌شناسی رد شده است. «اسرائیل فنکلشتاین» از باستان‌شناسان مهم یهودی که عضو

هیئت علمی دانشگاه تل‌آویو بود، در تحقیقات باستان‌شناسانه خود نشان داد معبد سلیمان، افسانه و دروغی بیش نیست. همچنین کاتلین کویینلان باستان‌شناس معروف انگلیسی در سال ۱۹۶۸ میلادی تحقیقات و حفاری‌های مفصلی در اورشلیم و بیت‌المقدس انجام داد و به طور رسمی اعلام کرد معبد سلیمان، اصطبل‌های سلیمان و آنچه به عنوان یک حقیقت تاریخی ادعا می‌شود، اسطوره‌ای بیش نیست و به دلیل بیان همین مسئله از اسرائیل اخراج شد. اساس دولت اسرائیل، بر دروغ‌های بزرگی است که مطرح کرده‌اند. پایه نخست این دولت بر اساس مظلوم‌نمایی برپا شد؛ البته مظلوم‌نمایی‌ها را به کمک امپراتوری رسانه‌ای، فیلم‌های هالیوودی، مستندها و تبلیغات وسیع گسترش دادند و سعی بر اقناع جهانی داشتند.

ب) ستون دوم: اسرائیل امن‌ترین جای جهان

در دنیا نزدیک به چهارده میلیون یهودی وجود دارد که صهیونیسم موفق شده است از این تعداد، حدود هفت میلیون یهودی را به اسرائیل بیاورد؛ پنج میلیون نفر در آمریکا سکونت دارند و نزدیک به یک‌ونیم میلیون نفر هم در سرتاسر دنیا پراکنده هستند. صهیونیسم با توسل به دروغ‌ها از جمله اینکه اسرائیل امن‌ترین جای دنیا برای یهودیان است یا ارض موعود است، به این وسیله افراد را در آن نقطه جمع کرده‌اند.

مقاومت و تزلزل در هر دو ستون

کاری که محور مقاومت با ایثارگری و شهادت‌ها در طی سال اخیر انجام داد، هر دو ستون را متزلزل کرد و رو به ویرانی نهاد. ستون اول مظلوم‌نمایی بود که در یک سال اخیر بر جهانیان معلوم شد این بره و قربانی ظلم سیستماتیک و هولوکاست، هیولای خون‌آشامی است که به هیچ قاعده و قانون و اصل اخلاقی ملتزم نیست؛ بیمارستان‌ها و خیمه‌های آوارگان را بمباران می‌کند و به آتش می‌کشد و هولوکاست جدیدی را به وجود آورده است. پس آن مظلوم‌نمایی و ستونی که اساس اولیه تشکیل دولت غاصب اسرائیل بود، رو به ویرانی نهاد. اما اصل دوم که جمع کردن و هدایت یهودیان به سمت اسرائیل بود هم رو به زوال قرار گرفته است؛ یعنی مسئله مهاجرت معکوس به شدت اوج گرفته است و بسیاری از متخصصان، روشنفکران و شخصیت‌های اسرائیلی که در زمینه‌های مختلف دارای تبحر و تخصص و شهرتی بودند، با داشتن پاسپورت‌های آمریکایی و اروپایی به سمت اروپا و آمریکا در حال مهاجرت هستند. بنابراین دو پایه اصلی شکل‌گیری اسرائیل در حال ویرانی و تباهی است.

۲. به انحطاط کشیده شدن گفتمان معنایی و اخلاقی غرب

دستاورد دوم آن است که گفتمان معنایی غرب به ضعف و فتور جدی مبتلا شده است. جبهه استکبار و غرب در زمینه حمایت از اسرائیل از هیچ کوششی فروگذار و کوتاهی نکرد. بر اساس گزارش‌های رسمی اسرائیل در ده ماه گذشته از کشورهای غربی به ویژه آمریکا ششصد محموله نظامی را دریافت کرده است؛ یعنی به طور متوسط هر دوازده ساعت یک محموله کمک نظامی را دریافت کرده است. در واقع فقط آمریکا طی ده ماه گذشته بر اساس گزارش‌های رسمی هفتاد و پنج هزار تن بمب در اختیار اسرائیل قرار داده است؛ یعنی اگر مردم غزه را دو میلیون نفر در نظر بگیریم، به ازای هر نفر، سی و پنج کیلو بمب از سوی غرب به اسرائیل اهدا شده است. همچنین نه تنها حمایت تسلیحاتی، بلکه حمایت‌های اطلاعاتی، امنیتی و سیاسی هم به اسرائیل انجام گرفته است.

اسرائیل و جغرافیای تمدنی غرب

از آنجاکه اسرائیل در خاورمیانه قرار گرفته است، جزء جغرافیای سرزمینی غرب نیست؛ با این وجود جزء جغرافیای تمدنی غرب به شمار می‌رود؛ یعنی غربی‌ها معتقدند اسرائیل بخشی از تمدن معاصر غربی است و در آنجا گفتمان معنایی غرب ترجمان شده و وجود دارد. اینکه غرب حاضر شده است به اسرائیل این همه هزینه اخلاقی و هزینه حیثیتی بدهد و حمایت همه‌جانبه از آنها داشته باشد، بدان دلیل است که اسرائیل هم به لحاظ فکری و هم به لحاظ معنایی و هویتی بخشی از واقعیت غرب است.

جیمی کارتر - رئیس‌جمهور اسبق آمریکا - چند سال قبل از فوتش از فلسطین بازدید می‌کند. خبرنگاری از او می‌پرسد در این بازدید چه دیدید؟ کارتر پاسخ می‌دهد: «در اینجا یعنی در داخل فلسطین یک شکنجه حقوق بشری در حال وقوع است؛ یعنی مردم شکنجه می‌شوند و تمام استانداردهای حقوق بشری در حال از بین رفتن است. بر سر این ملت تمام این فجایع ضد حقوق بشری در حال اجراست». خبرنگار می‌پرسد چرا کاری نمی‌کنید؟ شما که از رجال آمریکا هستید و رئیس‌جمهور بودید، چرا برای توقف این جنایات کاری نمی‌کنید؟ جواب کارتر بسیار جالب است؛ او می‌گوید: «در سیاست آمریکا، افرادی مثل من بسیارند؛ اما همه سیاستمداران و اعضای کنگره کاخ سفید معتقد به یک اصل هستند که هر چه رژیم اسرائیل در هر زمان انجام داد، باید حمایت شود؛ همچنین نه تنها مورد حمایت قرار بگیرد، بلکه به مدد رسانه‌ها و ابزارهایی که در اختیار داریم، جامعه را قانع کنیم آنچه اسرائیل انجام می‌دهد، درست

است). سپس به لابی اسرائیلی-آمریکایی ای‌پک^۱ اشاره می‌کند که در سیاست‌های آمریکا بسیار تأثیرگذار است و می‌گوید: «این لابی برای صلح نیامده است و هیچ‌گاه به صلح فکر نمی‌کند، بلکه تنها کاری که این لابی انجام می‌دهد، تثبیت این اصل است که هرچه اسرائیل انجام می‌دهد، باید حمایت شود و جامعه غربی را باید قانع کرد که آنچه اسرائیل انجام داده است، کار درستی است و این لابی به دنبال تحکیم این اصل است». کارتر در ادامه می‌گوید: «اگر یک عضو کنگره بخواهد اندکی مخالفت با این اصل کند و اندکی زاویه بگیرد، دیگر مطمئن نیست بار دیگر نماینده کنگره شود»؛ به عبارتی او می‌گوید اگر کسی بخواهد در مسند قدرت باشد و در کنگره حضور داشته باشد و در مدار مدیریت جامعه آمریکا قرار گیرد، باید از این اصل بی‌چون‌وچرا حمایت کند.

به نظر حوادثی که در یک سال گذشته رخ داد، در واقع این حوادث سند رسوایی گفتمانی و رسوایی اخلاقی غرب شد. اهل مقاومت و افراد بصیر مسلمان و جهان عرب ماهیت رژیم صهیونیستی را می‌دانستند؛ اما بحث این است که محور مقاومت و شهادت‌ها کاری کرد که جهان متوجه حقیقت اسرائیل شود و این مسئله دستاورد بسیار بزرگی است و این شهادت‌ها، دستاورد عظیمی را به دنبال داشت.

استحکام‌های نرم‌افزاری مقاومت و ضرورت حفظ هوشیاری

استحکام‌های محور مقاومت، فقط سخت‌افزاری نیست. محور مقاومت و حزب‌الله در مقایسه با گذشته، در جنبه سخت‌افزاری به لحاظ نیرو، تجهیزات نظامی و جهات مختلفی پیشرفت کرده است. استحکام‌های نرم‌افزاری محور مقاومت عبارت‌اند از: ایمان، تعهد، اخلاص، معنویت، امید به پیروزی، شهادت‌طلبی و امثال اینها. در واقع اینها استحکام‌های اصلی محور مقاومت هستند. بنابراین لطمه‌ها، شهادت‌ها، ویرانی‌ها و فرازوفرودهای سخت‌افزارانه گرچه واقعیت دارد و مسیر سخت و دشواری برای محور مقاومت و جهان اسلام است که دردانه‌هایی از اسلام را از دست دادیم، تا زمانی که قدرت نرم‌افزاری، قدرت ایمان، صلابت، شجاعت، شهادت‌طلبی، معنویت و امثال اینها برقرار است، محور مقاومت پیروز خواهد شد.

۱. کمیته روابط عمومی آمریکا-اسرائیل (American Israel Public Affairs Committee) مشهور به ای‌پک، یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین گروه‌های لابی‌گری در ایالات متحده آمریکاست. این گروه با بیش از صد هزار عضو، هر سال میلیون‌ها دلار خرج سرمایه‌گذاری در نفوذ بر سیاست‌های دولتی و قانون‌گذاری آمریکا می‌کند.

نظر به اینکه دشمن و جبهه یک بار درک کرده است صلابت و استحکام‌های محور مقاومت، وجه نرم‌افزاری آن است نه سخت‌افزاری، تمام همت خود را برای امپراتوری رسانه‌ای صرف می‌کند و مزدوران داخلی و خارجی را به خدمت می‌گیرد. آنها با شایعه‌پراکنی، دروغ‌پردازی، تضعیف روحیه و پمپاژ ناامیدی می‌کوشند در استحکام‌های نرم‌افزاری رخنه و نفوذ کنند. بنابراین امروزه این لحظه و زمانه، زمانه‌ای است که همه ما دلدادگان آرمان فلسطین و دلدادگان مظلومین جهان اسلام باید هوشیار و مراقب باشیم تا جهات تضعیف‌کننده وجه نرم‌افزاری محور مقاومت در خطر نیفتند. با یکدلی، همدلی، انسجام و تبعیت از رهبر معظم انقلاب، نه تندتر و نه کندتر حرکت کنیم و همان‌گونه که رهبران حزب‌الله و رهبران جبهه مقاومت دستاورد و پیشرفت خودشان را آشکارا بارها ابراز کردند مرهون هدایت‌های رهبری و تبعیت از مقام معظم رهبری هستند، ما هم در داخل، در حوزه‌ها، اظهارنظرها و موضع‌گیری‌ها توجه داشته باشیم تا این مسیر را دنبال کنیم.